

# خواه دن در جهانی رسامدن

دیوید ری گریفین  
حمدی درضا آیت الله



# خدا و دین در جهان پسامدرن

جستارهایی در الهیات پسامدرن

مؤلف: دیوید ری گریفین

ترجمه و تحلیل: حمیدرضا آیتالله‌ی

گریفین، دیوید ری، ۱۹۳۹ - م.

خدا و دین در جهان پسامدرن / نویسنده دیوید ری گریفین؛ ترجمه و تحلیل حمیدرضا آیت‌الله‌ی. — تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۸۱.  
۳۱۶ ص.

ISBN : 964 - 93384 - 9 - 7 - ۲۱۰۰

فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.

عنوان اصلی:  
God and Religion in the  
Postmodern World: Essays in Postmodern Theology.

۱. مسیحیت — کلام — تاریخ — قرن ۲۰ م. ۲. فرا تجدد — جنبه‌های مذهبی — مسیحیت. الف. آیت‌الله‌ی، حمیدرضا، ۱۳۳۸ — مترجم. ب. عنوان.

۲۳۰/۰۹۰۴  
یش / ۱۹۸۵ ح  
۱۳۸۰

BT ۲۸ / ۴۶ خ  
۱۳۸۰

۴۹۲۲ - ۸۱ م

کتابخانه ملی ایران

این اثر ترجمه و تحلیلی است از کتاب:

*God and Religion in the Postmodern World: Essays in Postmodern Theology*

*David Ray Griffin*

*State University of New York Press, Albany, 1989*



آفتاب تووسه

مرکز مطالعات و انتشارات

- ◊ مؤلف: دیوید ری گریفین
- ◊ ترجمه و تحلیل: حمیدرضا آیت‌الله‌ی
- ◊ ناشر: مرکز مطالعات و انتشارات آفتاب توسعه ◊ چاپ اول، ۱۳۸۱
- ◊ تیراز: ۳۰۰۰ نسخه ◊ لیتوگرافی آرمان، چاپ تابش، صحافی وطن
- ◊ ISBN : 964 - 93384 - 9 - 7 ◊ شابک: ۹۶۴ - ۹۳۳۸۴ - ۹ - ۷
- ◊ نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۷۸۵۱، تلفن و فاکس: ۸۸۳۰ ۴۴۲
- ◊ E-mail : AFTABTOSEEH @ tehran. irpost.com ◊
- ◊ قیمت: ۲۱۰۰ تومان ◊ حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

## فهرست

### صفحه

### عنوان

---

۹	مقدمه مترجم
۱۱	درآمد
۱۹	پیشگفتار
۲۷	فصل اول : الهیات پسامدرون
۵۳	فصل دوم : اهمیت انسان بودن : بینش پسامدرون
۵۳	۱. اشخاص، اهمیت و جهان‌بینی‌ها.
۵۶	۲. انتقال از جهان‌بینی قرون وسطی به جهان‌بینی مدرن
۶۰	۳. زندگی بر طبق جهان‌بینی مدرن
۶۹	۴. دو مرحله جهان‌بینی مدرن
۷۲	۵. جهان‌بینی پسامدرون
۸۳	فصل سوم : خلاقیت و دین پسامدرون
۸۴	۱. تضاد بین معنویت خلاقیت و معنویت اطاعت
۸۷	۲. مشکلات موجود در مُدرنیّت اولیه

۹۲	۳. مشکلات موجود در مدرنیت ثانوی.....
۹۴	۴. بازاندیشی در طبیعت اشیاء، فیزیکی .....
۹۹	۵. خلاقیت و الوهیت برگسون و بردیف .....
۱۰۲	۶. رابتهای و اپسین بودن خلاقیت.....
۱۰۶	۷. تجربه خلاق و ارتباط خدا و جهان.....
۱۱۳	۸. معنویت و اخلاق خلاقیت تجربی.....

#### **فصل چهارم : خدا در جهان پسامدرن**

۱۲۱	۱. فقدان اعتقاد به خداوند در جهان مدرن.....
۱۲۱	۲. نتایج منفی از دست دادن اعتقاد به خدا.....
۱۳۱	۳. کوشش های جدید برای تأیید مجدد واقعیت خداوند .....
۱۴۱	۴. جهانبینی پسامدرن و بازیافت اعتقاد .....
۱۵۱	نتیجه.....

#### **فصل پنجم : تکامل و خداباوری پسامدرن.**

۱۵۳	۱. ناسازگاری خداباوری و تکامل در اندیشه مدرن.....
۱۵۵	ناسازگاری تکامل و خداباوری ماورای طبیعی.....
۱۵۵	ناسازگاری خداباوری و جهانبینی مدرن .....
۱۶۰	ناسازگاری خداباوری و علم جدید .....
۱۶۱	ناسازگاری خداباوری و داروینیسم .....
۱۶۴	۲. سازگاری خدا و تکامل در تفکر پسامدرن.....
۱۶۶	سازگاری تکامل با خداباوری طبیعت گرایانه پسامدرن.....
۱۶۷	برتری جهانبینی پسامدرن و سازگاری آن با خداباوری طبیعت گرایانه .....
۱۶۹	سازگاری علم پسامدرن با خداباوری طبیعت گرایانه.....
۱۷۱	سازگاری نظریه نکاملی پسامدرن با خداباوری طبیعت گرایانه .....
۱۷۳	خلاصه و نتیجه .....
۱۷۶	

<b>فصل ششم : زندهانگاری پسامدرن و حیات پس از مرگ</b>	۱۷۹
۱. ضد زندهانگاری مدرن و رد پیشینی حیات پس از مرگ	۱۸۰
۲. ظهور جهانبینی پسامدرن	۱۸۸
۳. امکان حیات پس از مرگ: مابعدالطبیعته پسامدرن و شواهد تجربی غیرمستقیم	۱۹۵
۴. شواهد مستقیم برای حیات پس از مرگ	۲۰۵
۵. پاسخ به ایده‌های اخلاقی به اعتقاد به حیات پس از مرگ	۲۰۷
خلاصه	۲۲۵
<b>فصل هفتم : نظام‌های معنوی در جهان‌های قرون وسطا، مدرن و پسامدرن</b>	۲۲۷
۱. الهیات آگوستینی و نظام معنوی	۲۲۸
۲. معنویت سنتزی مدرنیته	۲۴۰
۳. معنویت واپتهدی پسامدرن	۲۴۷
<b>فصل هشتم : جهان‌خوارگی، سلاح‌هسته‌ای‌گرایی و خداباوری پسامدرن</b>	۲۵۷
۱. تصور ماوراء طبیعی از خدا	۲۶۰
۲. خداباوری ماورای طبیعی و امپریالیسم جدید	۲۶۷
۳. خداباوری طبیعت‌گرایانه الهیات پسامدرن	۲۷۷
<b>یادداشت‌ها</b>	۲۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم

## مقدمه مترجم

کتابی که پیش رو دارید ارائه نوعی نگرش است که نویسنده آن را دارای ویژگی پسامدرن می داند. نویسنده خود الهیدانی پویشی است و در صدد است تا در مدلی که از الهیات پویشی خود عرضه می کند آن را برای جهان پسامدرن سازگار نشان دهد. واضح است که اندیشمندان پسامدرن و حتی بسیاری که در حیطه الهیات پسامدرن نظر می دهند می توانند آن را نپذیرند. بنابراین این کتاب ضرورتاً کل نگرش پسامدرن را باز نمی نماید.

نویسنده یکی از مهم ترین اندیشمندان پویشی در دوران حاضر است. غرض مترجم از ترجمه این کتاب صرفاً آشنا ساختن اندیشمندان جامعه ایرانی ما با یکی از انواع مدل های الهیاتی در دوران حاضر است تا در جریان راه های جدیدی که برای توجیه اعتقادات دینی بکار می رود قرار گیرند و بدین وسیله شناخت بهتری از شرایط حاکم بر زمان خویش بیابند. از آنجاکه نویسنده در این کتاب صرفاً به بیان دیدگاه خویش نمی پردازد بلکه تبلیغ به نفع آن را نیز از رسالت های خویش می داند، بنابراین کتاب خالی از ایدئولوژی پردازی نیست. با توجه به این نکته ضرورت داشت که این گونه موارد در کتاب نمایانده شده و نگرش های یکسویه نویسنده مورد نقد و تحلیل قرار گیرد. مترجم سعی نموده است به اجمال هر جاکه این امر ضرورت می یافته است در پاورقی به این نکته ها اشاره داشته باشد. خصوصاً که پیش زمینه‌ی دیدگاه نویسنده نگرش های غالب

در تاریخ مسیحیت بوده است که در بسیاری موارد تفاوت عمدہ‌ای با اعتقادات اسلامی دارد. نویسنده در نامه‌ای که به مترجم داشته متذکر شده است که برای همکاران او در مرکز الهیات پویشی پذیرش نگرش پویشی که در این کتاب بسیاری از آن بازنموده شده است توسط مسلمانان بدور از ذهن بوده است، درحالی که پذیرش آن توسط بودائیان به مراتب طبیعی‌تر به نظر می‌رسد. با این بیان مشخص می‌شود که الهیات پسامدرن پویشی که خود را میراث‌دار و ایتهد و هارت‌شورن می‌داند در تلفیق بین بعضی آموزه‌های مسیحی با دیدگاه‌های بودائی توفیقاتی را در خود می‌یابد. به هر حال مترجم در خود پذیرش یا تمایلی به نظریات نویسنده نمی‌بیند.

جای دارد از زحمات آقای رحیم علی‌اصغرپور ممقانی که در ترجمهٔ بخشی از کتاب یاری‌های بسیاری کردند سپاسگزاری نمایم؛ و همچنین از تلاش‌های آقای شاهری در ویرایش ادبی متن و خانم‌ها جهانبان و نجفی در تایپ و تصحیح متن نیز یاد کرده و تشکر نمایم.

حمیدرضا آیت‌الله‌ی

بهار ۱۳۸۱

طی نامه‌نگاری که با نویسنده‌ی کتاب، پروفسور گریفین، برقرار شد وی پس از اجازه‌ی ترجمه کتاب و شادمانی از این کار باعث تبادل اندیشه بین او و اندیشمندان جامعه‌ی اسلامی گردد مقدمه‌ای را برای این ترجمه تهیه کرد و برای مترجم فرستاد که ترجمه و اصل آن به دنبال می‌آید.

## درآمد دیوید ری گریفین

این کتاب کوچک که مجموعه‌ای از جستارهای گاه و بیگاه و مقدماتی است از چندین جهت ناقص است. اما امیدوارم به خوانندگان ایرانی رهیافتی را عرضه دارد که هم با فلسفه‌ی سنتی و هم با فلسفه و الهیات مدرن در غرب متفاوت باشد همانگونه که با صورت ساختارشکنانه‌ی اندیشه‌ی پسامدرن نیز مغایر است.

من مدت مديدة است که مجدوب فرهنگ و مردم ایران بوده‌ام، و دلستگی فزاینده‌ای به اندیشه‌ی معاصر اسلامی داشته‌ام. لذا از استاد حمید رضا آیت‌الله‌ی به خاطر ترجمه‌ی کتابی بسیار سپاسگزارم. امید دارم این ترجمه آغازگر مباحثاتی با بعضی از الهیدانان و فیلسوفان ایرانی گردد.

اطمینان دارم که خوانندگان خواهند دید که این کتاب نوعی الهیات مسیحی را عرضه می‌دارد که بر این پیش‌فرض استوار نیست که مسیحیت‌گونه‌ای نگرش

دینی است که متفاوت با سایر سنت‌های فلسفی و اساساً مقدم بر آن‌هاست. این نوع الهیات مسیحی مخصوصاً قائل نیست که مسیح اهل ناصره بدین معنا الوهیت داشته باشد که تجسی ماوراء طبیعی از «شخص دوم تثلیث الهی» باشد. من معتقدم که سخن گفتن از سه گانگی در خداوند می‌تواند مفید باشد، اما این، نوعی سه گانگی است که یهودیان، مسلمانان و سایر یگانه‌باوران نیز می‌توانند آن را بپذیرند. من همچنین معتقدم که خداوند در تمامی تجربه انسانی بلکه تجربه تمامی مخلوقات حلولی است؛ و همچنین بر این باورم که خداوند بگونه‌ای استثنائی که از آن به وحیانی تعبیر می‌شود در بسیاری افراد همچون موسی، ارمیا، و محمد حلول یافته است.

بنابراین باورها، من از دیدگاهی جانبداری می‌کنم که به عنوان کثرت‌گرائی دینی شناخته می‌شود کثرت‌گرائی ضرورتاً مستلزم نسبی‌گرائی نیست. آن کثرت‌گرائی که من می‌پذیرم عمدتاً انکار این نگرش است که تمامی حقیقت‌ها و ارزش‌های دینی در یک دین یافت می‌شود همانگونه که انحصارگرایان مسیحی درباره مسیحیت بر این باور هستند. اغلب به علت این رویکرد انحصارگرایانه، روابط بین مسیحیت و اسلام (و همچنین بین مسیحیت و یهودیت) مصیبت‌های بسیاری را به خود دیده است. امروزه نظریات مطرحی وجود دارد که پیش‌بینی می‌کنند برخورد بین جهان اسلام و غرب مسیحی عامل مرکزی قرن بیست و یکم خواهد بود.

امید شخصی من این است که برخلاف این ادعا، ادیان جهان قوای خویش را به هم خواهند پیوست تا قرن بیست و یک را از رنج، مرگ و تخریبی که در قرن بیست شده بود بیشتر بازدارند. ما در ارزش‌های سرنوشت‌سازی مخصوصاً در مقایسه با ارزش‌هایی که در سطح جهانی روز به روز بیشتر غلبه می‌یابد اشتراک داریم. این ارزش‌هایی را که در حال حاضر غلبه دارند و به قیمت فقر عده‌ای و تخریب اکوسیستم طبیعی، ثروت برای ثروتمندان به ارمغان می‌آورد می‌توان ارزش‌های شیطانی نامید؛ زیرا این ارزش‌ها بکلی با ارزش‌های آفریننده الهی و دوستدار همه مردم در تضاد است، ارزش‌هایی که او از ما می‌خواهد که در در

زندگانی‌های شخصی‌مان و در سازمان‌های مان باید بدان‌ها تجسم ببخشیم. این ارزش‌ها همان حقیقت، زیبائی، خوبی، عدالت، عزت و همدردی هستند. امیدوارم مسیحیت، اسلام و سایر ادیان جهان قوای خویش را مجتمع کنند تا نظم نوینی در جهان شکل دهند که در آن این ارزش‌ها بجای ارزش‌های مخالفشان مبنای برای خط‌مشی جهانی برسازد.

دیوید ری گریفین  
مدرسه الهیاتی کلار蒙ت

## **FOREWORD**

**David Ray Griffin**

This little book, being a collection of occasional, exploratory essays, is imperfect in many ways. But I hope it conveys to Iranian readers an approach that is different from both traditional and modern philosophy and theology in the west as well the deconstructive type of postmodern thought.

I have long been attracted to the culture and people of Iran, and I have a growing interest in what is occurring in contemporary Islamic thought. I am, therefore, very grateful to Professor Hamidreza Ayatollahy for translating my book, which I hope will initiate a conversation with some other Iranian philosophers and theologians.

I trust that readers will see that this book present a type of christian theology that does not presuppose that christianity is somehow different in kind from, in the sense of being superior in principle to, all other religious traditions. this type of christion theology does not hold, in particular, that Jesus of Nazareth was divine in the sense of being a supernatural incarnation of the "second person of the divine trinity." I do

believe that it can be helpful to speak of a threefoldness in God, but this is a type of threefoldness that could be affirmed by Jews, Muslims, and other unitarians. I also believe that God was immanent in Jesus's experience in an extraordinary way. But I believe that God is immanent in all human -- indeed, all creaturely -- experience, and that God has been immanent in an extraordinary way, so as to be especially revelatory, in many individuals, such as Hosea, Jeremiah, and Mohammed.

Given these beliefs, I endorse the view known as "religious pluralism." Pluralism need not imply relativism. The pluralism I affirm is primarily the denial that all religious truths and values are found in any one religion -- as Christian exclusivists have claimed for Christianity. In large part because of this exclusivist attitude, the relationship between Christianity and Islam (as well as that between Christianity and Judaism) has involved much tragedy. and today there are some prominent voices predicting that clashes between the Islamic world and the "Christian" West Will be a central factor of the 21st century.

My own hope is that the religions of the world will instead join forces to prevent the 21st century from producing even more suffering, death, and destruction than did the 20th. we share crucial values, especially in comparison with the values that are increasingly dominant at the global level. These presently dominant values, which promote profit for the rich at the expense of the poor and the natural ecosystem, can be called "demonic" because they are diametrically opposed to the values that the Divine Creator and Lover of all peoples and all life must want us to embody in our personal lives and our institutions -- the values of Truth, Beauty, Goodness, Fairness, Respect, and compassion. I Hope that

---

christianity, Islam, and the other religions of the world will join forces to fashion a world order in which these values, rather than their opposites, provide the basis for global policies.

*David Ray Griffin*

*Claremont School of Theology*

*Claremont, CA 91711 (USA)*

## پیشگفتار

این کتاب همانند بسیاری از کتاب‌های متداول دیگر در صدد است تا واکنش کلامی دینی را به حوزهٔ عامه بازگرداند. با اینکه امیدوارم این کنکاش مورد توجه متالهان و فیلسوفان دین قرار گیرد، در مرحلهٔ اول برای دو دسته از خوانندگان نوشته شده‌است: اول، مردم بر تاخته از مدرنیسم که به شدت به مسائل دینی و معنوی توجه یافته‌اند، و در عین حال الهیات سنتی را نامعتبر و الهیات مدرن را نامتناسب<sup>(۱)</sup> می‌دانند؛ دوم، افراد کاملاً وابسته به مدرنیسم که چون مجدوب فرهنگ مدرن شده‌اند معنویت دینی<sup>(۲)</sup> همچون الهیات را از دست داده‌اند\*.

---

### 1. Irrelevant

### 2. Religious spirituality

\* همان‌گونه که از عبارات مؤلف برمی‌آید او در صدد است مدلی فرضی ارائه کند که به نظر او می‌تواند بین نوع خاصی بینش دینی که خود ارائه می‌کند و بعضی مسلمات دنیای جدید اتحاد ایجاد کند. او توجه چندانی به نقد مسلمات حاکم بر دوران پس از مدرنیسم ندارد و نیز نمی‌خواهد (یا نمی‌تواند) با نقد تفکر سنتی دینی، هسته اولیه و محوری آن را نگه‌دارد و پیرایه‌های باطل آن را بزداید (همچون کاری که ریچارد سوئینبرن در صدد انجام دادن آن است). این تفکر سنتی دینی معمولاً از بعضی پیش‌فرض‌های مسیحیت رسمی ناشی می‌شود که پالایش آن، آن را در طول تفکر دینی ابراهیمی قرار خواهد داد؛ در حالی که آرای نویسنده، ارتباطش را با جریان تحول اندیشه دینی بسیار ضعیف می‌سازد. بیان این نکته از این جهت در ابتدای کتاب ضرورت دارد که خواننده به نحوه

من، برای گروه اول، نوعی الهیات عرضه کرده‌ام که بسیار متفاوت از مکتب‌های دینی سنتی است،<sup>\*</sup> و باورها و کاربست‌های بسیار زیادی را دربرمی‌گیرد، همان باورهایی که عموماً متألهان حوزهٔ مدرن نادیده گرفته‌اند یا منعزل کرده‌اند. برای دستهٔ دوم نیز جهان‌بینی‌ای ارائه داده‌ام که سازگارتر از جهان‌بینی مدرن و از نظر اخلاقی مفیدتر از آن است؛ حداقل، مدعی چنین برتری هستم.

منظور من از الهیات، واکنش عقلی دربارهٔ آن چیزی است که مقدس می‌یابیم؛ به عبارت دیگر، آنچه که اهمیت نهایی<sup>(۱)</sup> را به خاطر خودش دارد.<sup>\*\*</sup> به دلایل متعدد، این نوع واکنش در جهان مدرن، مخصوصاً در ایالات متحده یعنی مدرن‌ترین ملل از حوزهٔ عامه بیرون رانده شده است. نتیجهٔ چنین امری در بهترین حالت، تأسف‌بار و در بدترین وضعیت، فاجعه‌آمیز است. همهٔ تصمیم‌ها در نهایت مستلزم پذیرش و اعتقادهایی دربارهٔ امر مقدس، یا امور دارای اهمیت نهایی هستند. از آنجا که ما به عنوان یک جمعیت متأثر از آنچه معتقدیم به این معنا مقدس است، نیستیم، هیچ ابزاری برای خط‌مشی‌هایمان نداریم؛ رویه‌هایی که با شهودهای عمیقمان و اندیشه‌های والایمان دربارهٔ این اساسی‌ترین پرسش شکل گرفته باشد. خط‌مشی‌های

→ رویکرد او آگاهی داشته باشد و به ناهمگونی آن با جریان تفکر دینی در طول تاریخ توجه کند؛ همچنین پیش‌فرض‌های مسیحی، او را که در بسیاری موارد مغایر تفکر دینی اسلامی است، مدنظر داشته باشد. - م.

\* این تفاوت با مکتب‌های دینی سنتی - چنان‌که بعداً مشاهده خواهد شد - تا مسخر بسیاری از دیدگاه‌های دینی مقبول خواهد انجامید؛ لذا اقبال دینداران به آرای الهیات پویشی چندان جدی نیست، چرا که احساس می‌کنند گستاخی بین مقولات دینی و آرای الهیات پویشی وجود دارد. - م.

## 1. Ultimate importance

\*\* این تعریف از الهیات، تعریفی بسیار گسترده است؛ آن چنان‌که می‌تواند غیر از الهیات ادیان ابراهیمی، بودیسم، آئین‌ذن، و حتی شاید اومانیسم و مارکسیسم را هم در بر داشته باشد. منظور از واکنش عقلی، صرفاً عقل فلسفی نیست؛ بلکه عقلانیت مدرن را هم می‌تواند در بر داشته باشد. - م.

اجتماعی ما بیشتر براساس منافع شخصی محدود قوی‌ترین بخش‌های جامعه ما شکل گرفته‌اند و به موجب آن، بر ارزش‌هایی تأثیر می‌گذارند که می‌اندیشیم، بنابر آن واکنش، فقط نیمه مقدس و حتی اهریمنی<sup>(۱)</sup> است.

یکی از ابعاد اصلی دوران پسامدرن که در حال انتقال به آن هستیم، طرد رویکرد مدرن درباره اعتقاد دینی است؛ رویکردی که یا حقیقت آن را پیشاپیش و بتمامه انکار یا معناداری آن را به حوزه شخصی محدود می‌کند. در هشیاری<sup>(۲)</sup> پسامدرن است که شهودهای<sup>(۳)</sup> دینی باید حداقل همان ارزش شهودهای حسی، ریاضی، و منطقی را دربرساختن یک جهان‌بینی<sup>(۴)</sup> داشته باشد، و اینکه بی‌مناسبت دانستن بعد خاص دینی از جهان‌بینی ما با زندگی اجتماعی مان نامعقول است.\* یک دلیل برای این ادعای اخیر این است که زندگی شخصی و اجتماعی نمی‌توانند واقعاً از هم مجزا شوند.

زیرسؤال بردن رویکرد مدرن درباره خصوصی‌سازی<sup>(۵)</sup> دین، ضرورتاً حاکی از یک تمایل برای حکومتی دینی<sup>(۶)</sup> یا صورت دیگری از جامعه دینی نیست. چنین جنبشی بیشتر ماقبل مدرن است تا پسامدرن. نارضایتی پسامدرن از مدرنیته، یک سؤال بسیار مشکل مطرح می‌سازد: آیا امکان دارد که به سمت نوعی الهیات پیش رفت که از طریق قابلیت‌های ذاتی اش<sup>(۷)</sup> پاسخی کاملاً گسترده را تدارک ببیند که ارزش‌های ضمنی آن بتواند جایگزین ارزش‌های جهان‌بینی مدرنی شود که بر خطمشی اجتماعی ما

1. Demonic

2. Consciousness

3. Intuition

4. Worldview

\* این تلقی از نگرش پسامدرن به شهودهای دینی، یکی از قرائت‌های پسامدرن است. باید توجه داشت که در این زمینه، نگرش‌های دیگری نیز وجود دارد. ولی آنچه به این نگرش ویژگی پسامدرن می‌دهد، همان نقد اندیشه مدرن است که به‌طور جدی در کتاب درباره آن بحث شده است. - م.

5. Privatization

6. Theocracy

7. Intrinsic merits

## \* حکم‌فرمایی می‌کند؟\*

عبارت «از طریق قابلیت‌های ذاتی اش»، تعیین‌کننده است. برخلاف الهیات ماقبل مدرن، که توسل نهایی اش به مرجع مقتصد<sup>(۱)</sup> است و بنابر این توسل، انواع مختلف گستاخی<sup>(۲)</sup> و نارسانی<sup>(۳)</sup> تجربی را تبرئه می‌کند،\*\*\* الهیات پسامدرن خواسته‌هایش را با انسجام درونی، رسایی تجربی، و قدرت روشنایی بخش<sup>(۴)</sup> برمی‌سازد. در اینجا این اصل برای ارزیابی کلیه نظام‌های الهیاتی بالقوه اجتماعی پیشنهاد شده است: یک الهیات اجتماعی باید توان گذر از مذاقه اجتماعی<sup>(۵)</sup> را داشته باشد. و گذر از مذاقه اجتماعی، همان‌گذر از آزمون‌هایی است که کمایش آشکارا برای محاسبه میزان پذیرش اجتماعی کاربری دارد؛\*\*\* خواه این پذیرش یک نظریه علمی قوی باشد یا یک داستان یا یک محکمه قضائی. آیا این تلقی خودسازگار<sup>(۶)</sup> است؟ آیا با تمامی واقعیات شناخته شده تطابق دارد؟ آیا چندین واقعیت شناخته شده را به طریقی نو و روشنگرانه به هم می‌پيوندد؟ و (به گونه‌ای آرمانی) آیا پیش‌پیش واقعیات

\* اگر ارزش‌های ضمنی این نوع نگرش پسامدرن بتواند جایگزین ارزش‌های مدرن شود، باز هم این سؤالی اساسی خواهد بود که آیا این دیدگاه پسامدرن بر تحولات سازنده‌ای که در دیدگاه سنتی پیش آمده است، مزایای واقعی دارد؟ و آیا در مقام مقایسه، پیش‌فرض‌ها تأثیری جدی بر قضاوت‌ها نمی‌گذارند؟ - م.

1. Authority

2. Incoherence

3. Inadequacy

\*\*\* همان‌گونه که ملاحظه خواهد شد، این نگرش بر مبنای نوعی تلقی از الهیات سطحی پیش‌امدرن است. - م.

4. Illuminating

5. Public scrutiny

\*\*\* البته باید توجه داشت، از آنجاکه پذیرش اجتماعی براساس باورداشت‌های رسوخ یافته در هر جامعه‌ای شکل می‌گیرد، لذا در جوامع مختلف که باورهای متفاوتی - چه خودآگاه و چه ناخودآگاه - وجود دارد، این پذیرش اجتماعی تفاوت پیدا می‌کند. بنابراین، با این تلقی از الهیات اجتماعی، حوزه کاربری هر یک منطقه‌ای خواهد شد. - م.

6. Self-consistent

ناشناخته را روشنی می‌بخشد؟ تلاش‌های من یقیناً توان رسیدن به این آرمان‌های دشوار را ندارد. ولی اگر نشان داده شود که چگونه پیشنهادهای من وقتی در مقایسه با این آرمان‌ها داوری شوند نارسايی‌هایی دارند، در آن صورت کمک شایانی به من و دیگران خواهد بود؛ البته به جای آنکه برحسب جزماندیشی<sup>(۱)</sup> های مدرنی که با آن دست به گریبان هستند، قضاوت شوند.

هر یک از فصل‌های این کتاب، به جز مقدمه، ابتدا به عنوان مقاله‌ای<sup>(۲)</sup> مستقل برای یک موقعیت ویژه نوشته شده است. بنابراین، من به فصل‌ها به عنوان مقاله‌ها اشاره خواهم کرد. اگرچه بعضی از موارد تکراری را که در صورت اولیه مقاله‌ها بوده است، حذف کرده‌ام، ولی بسیاری هنوز باقی مانده‌اند. من به روش‌های متداول، توجیهی برای این کار یافته‌ام؛ و آن اینکه موارد تکراری باقی مانده برای حفظ جامعیت هر مقاله ضرورت داشتند و اینکه امیدوارم اغلب مفاهیمی که دو بار یا بیشتر ابراز شده است، به قدر کافی بدیع<sup>(۳)</sup> باشند، یا چنان باشند که تکرارها، مفید‌تر از به دردرس افتادن<sup>(۴)</sup> باشد.

از آنجا که من ویراستار مجموعه‌ای هستم که این کتاب در آن مجموعه قرار دارد، باید سخنی درباره ارتباط بین این مجموعه به طور کلی و موضع کلامی دینی که در این کتاب اعلام می‌شود، افزود. «اندیشه سازنده»<sup>(۵)</sup> پسامدرن<sup>(۶)</sup> که این مجموعه تحت آن عنوان است، آنقدر گسترده است که مواضع متنوعی را شامل می‌شود که نویسندهان دو مجلد اول ابراز داشته‌اند. مقدمه‌ای که من بر آن مجلدات و مخصوصاً مقدمه‌ای که برکل مجموعه نوشته‌ام، حداقل برای بخش اعظم آن، به گونه‌ای تنظیم شده است که برای اعضای مختلف این جنبش قابل قبول باشد.\* در مقابل، موضع الهیاتی که در مجلد حاضر تنظیم شده،

1. Dogmas

2. Essay

3. Novel

4. Annoying

5. Constructive

6. Movement

\* تلقی نویسنده از آرای خویش در این کتاب، با توجه به تعبیر «جنبش» از آن می‌تواند

موضع خاص خود من است که به عنوان عضوی از میان سایر اعضای این جنبش نوشته شده است. این دیگر آن بیانیه بعد خاص الهیاتی مجموعه نیست. هیچ یک از نویسنده‌گان دیگر مجموعه نباید در موضع من در هر مسئله خاص سهیم فرض شوند. هرچه من در اینجا گفته‌ام، با موضع عام<sup>(۱)</sup> مجموعه سازگار است؛ ولی آن موضع عام، هرچه را که اینجا بیان کرده‌ام، شامل نیست.

فصل سوم، نسخه کاملاً اصلاح شده مقاله «خلاقیت در دین پسامدرن» است که قبلاً در کتاب خلاقیت در هنر، دین و فرهنگ<sup>(۲)</sup> ویراسته مایکل اچ. میتیاس<sup>(۳)</sup> (آمستردام: Edition Rodopi B. V., ۱۹۸۵) منتشر شده است. دو نسخه بدیل فصل ۶ برای انتشار در جایی دیگر پیش‌بینی شده، اگرچه بخش نهایی آن کاملاً جدید است. فصل ۷، نسخه تقریباً اصلاح شده مقاله «ایمان و نظام معنوی: مقایسه‌ای بین الهیات آگوستینی و الهیات پویشی»<sup>(۴)</sup>، است که در نشریه ایمان و فلسفه<sup>(۵)</sup> ۳/۱ (ثانیه ۱۹۸۶) منتشر شده است.

علاقه‌مندم سپاس خود را تقدیم جان کوب<sup>(۶)</sup> و همسرم آن جاکوا<sup>(۷)</sup> کنم که دستنویس این کتاب را خواندند و پیشنهادهای مفیدی دادند. همچنین از ژنوا ویلگاس<sup>(۸)</sup> به خاطر تایپ چندین نسخه از هر فصل، و از ارلین گودل<sup>(۹)</sup> از مرکزی برای جهان پسامدرن و گری لاندن<sup>(۱۰)</sup> و نانسی هاول<sup>(۱۱)</sup> از مرکز

→ نشانگر آن باشد که غرض او و همکرانش، صرفاً ارائه مدلی عملی نیست؛ بلکه آنان جنبه تبلیغی آن را هم مدنظر داشته‌اند و رسالت یافتن و افزودن هواداران آن را نیز در خویش می‌بینند. - م.

- |   |  |
|---|--|
| 1. General stance   | 2. <i>Creativity in Art, Religion, and Culture</i> |
| 3. Micheal H. Mitias  |  |
| 4. Faith and Spiritual Discipline: A Comparison of Augustinian and Process theologies | 5. <i>Faith and Philosophy</i>                     |
| 6. John Cobb  | 7. Ann Jaqua                                       |
| 8. Geneva Villegas  | 9. Erline Goodell                                  |
| 10. Gary London   |  |

بررسی‌های پویشی به خاطر مساعدت‌های کتابخانه‌ای، الیزابت مور<sup>(۱۲)</sup> از انتشارات SUNY به خاطر راهنمایی‌هایش برای آماده‌سازی این کتاب، و ویلیام ایستمن<sup>(۱۳)</sup> از انتشارات SUNY به خاطر امکان وجود یافتن این مجموعه سیاسگزارم. در پایان، از اعضای «مرکزی برای جهان پسامدرن» متشرکرم؛ آنها که درباره عنوان اولیه «ورای پوچگرایی و فراتبیعت‌گرایی» با من گفت‌وگوهایی داشتند؛ مخصوصاً از فرانک کلی (Frank Kelly) به خاطر پیشنهاد عنوان فعلی سیاسگزارم.

این کتاب را به پدر و مادرم تقدیم می‌کنم؛ همانها که از ابتدا پشتیبانی برای تلاش‌های من بودند. و از اینکه آنها را انتخاب می‌کنم، خرسندم.

David  
Ray Griffin

God and Religion

in the

# Postmodern World



آفتاب توسعه

Translation  
and Analysis by:

Hamidreza  
Ayatollahy



ISBN 964-93384-9-7